

زیست دشوار کارگران در جنوبی ترین پایانه مسافربری پایتخت کشور

تجارت رنج در ترمینال جنوب



کردن صدها پاکس سنگین، یکی از کارگران روی جدول کنار خور می‌نشینند، نفسش را بیرون می‌دهد و عرق پیشانی‌اش را با پشت آستینش پاک می‌کند. اسمش «محمد» است؛ جوانی بلوغ و اهل زاهدان. وقتی کنارش روی جدول می‌نشینم و سر صحبت را بازمی‌کنم، نگاه خسته‌اش را به کف آسفالت‌می‌دوزدو می‌گوید: «وال کار ماهمینه هروقت ماشین سنگین مثل آب‌معدنی بیاد، صدامون می‌کنن که بیابین برای تخلیه، برای سه‌ساعت کار سنگین، فقط یک میلیون تومن می‌گیریم».

محمد تنها نیست؛ نگاهی به چهره‌های آفتاب‌سوخته کارگرانی که دور خاور حلقه زده‌اند نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نیروهای روزمزد تخلیه، برای سه‌ساعت کار سنگین، فقط یک میلیون تومن می‌گیریم».

محمد تنها نیست؛ نگاهی به چهره‌های آفتاب‌سوخته کارگرانی که دور خاور حلقه زده‌اند نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نیروهای روزمزد تخلیه، برای سه‌ساعت کار سنگین، فقط یک میلیون تومن می‌گیریم».

محمد تنها نیست؛ نگاهی به چهره‌های آفتاب‌سوخته کارگرانی که دور خاور حلقه زده‌اند نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نیروهای روزمزد تخلیه، برای سه‌ساعت کار سنگین، فقط یک میلیون تومن می‌گیریم».

محمد تنها نیست؛ نگاهی به چهره‌های آفتاب‌سوخته کارگرانی که دور خاور حلقه زده‌اند نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نیروهای روزمزد تخلیه، برای سه‌ساعت کار سنگین، فقط یک میلیون تومن می‌گیریم».

محمد تنها نیست؛ نگاهی به چهره‌های آفتاب‌سوخته کارگرانی که دور خاور حلقه زده‌اند نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نیروهای روزمزد تخلیه، برای سه‌ساعت کار سنگین، فقط یک میلیون تومن می‌گیریم».

محمد تنها نیست؛ نگاهی به چهره‌های آفتاب‌سوخته کارگرانی که دور خاور حلقه زده‌اند نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نیروهای روزمزد تخلیه، برای سه‌ساعت کار سنگین، فقط یک میلیون تومن می‌گیریم».

بلوج هستند. فقر ساختاری و نرخ بالای بیکاری در مناطق مرزی، آنها را به سمت این مشاغل سخت، بدون ایمنی و فاقد هرگونه چتر حمایتی رانده‌است. آنها در آمدی ناپایدار دارند، در آمدی که با تخلیه آخرین پاکس آب‌معدنی قطع می‌شود- تا شاید ماشین بعدی از راه برسد.

پایانه به منابه خوابگاهی بی‌سقف

در بخش‌های خلوت‌تر سالن انتظار و زوایای کم‌رفت‌وآمد انبارها، چهره دیگری از این زیست‌بوم خودنمایی می‌کند. پیرمردی با لباس‌های کهنه و غبار گرفته‌روی کارتن کهنه‌ای در کنار دیوار کز کرده است. دست‌های لرزانش توان فیزیکی برای چرخ‌راندن ندارد و سینه‌اش رمقی برای تخلیه بار سنگین باقی نگذاشته. وقتی کنارش می‌ایستم و از وضعیتش می‌پرسم، پک عمیقی به سیگار نیم‌سوخته‌اش می‌زند، دودش را در هوا پخش می‌کند و می‌گوید: «پنج پول ثابتی به من نمی‌دن. هیچ حقوق و قرار دادی در کار نیست. اگه کمکی کنم یا تونم بریای تعاونی‌ها مسافر جلب کنم و بلیت بفروشم، شاید یک قرص نان یا پاپول خردی گیرم. باید، شاید هم بر ایم یک ساندویچ کالباس بخردن. جاخواب هم ندارم. شب‌ها همین جا روی صندلی‌های ترمینال یا گوشه سالن می‌خوابم».

پایانه جنوب برای ده‌ها کارگر سالمند، مهاجران جوانی کار و بی‌خانمان‌ها، دیگر فقط یک مرکز ترانزیتی نیست بلکه نقش یک «خوابگاه عمومی بی‌سقف» را ایفا می‌کند. نیروهایی که روزها در جریان جابه‌جایی ثروت و مسافر مستهلک می‌شوند و شب‌ها روی نیمکت‌های سرد فلزی به خواب می‌روند.

هنگام خروج از پایانه و عبور دوباره از میان چرخ‌دستی‌ها، آنچه بیش از هر چیز در ذهن می‌ماند، حجم عظیم ثروتی است که در این فضای محدود رویدل می‌شود. اما سودش هرگز به لایه‌های پایینی نمی‌رسد. در ترمینال جنوب روزانه شاهد گردش مالی سنگینی است؛ جریانی که فقط از بلیت مسافران شکل نمی‌گیرد، بلکه از سال خرده‌بارهای تجاری با اتوبوس‌های معروف به «تی‌پخانه بار» و تعرفه‌های متعدد جابه‌جایی، سود سرشاری برای تعاونی‌ها و سازمان پایانه‌های شهر داری می‌سازد. شهر داری حتی از قدّم زدن یک چرخ‌دستی تا پای اتوبوس، سود مستقیم می‌برد اما در عوض، تمام مسئولیت‌های حقوقی، بیمه‌ای و حفاظتی در قبال جان و آینده این نیروی کار را از دوش خود برداشته است. در غیاب نظارت جدی بازرسان اداره کار، چرخه اقتصادی پایانه با حداکثر سوددهی برای مدیریت و پیمانکاران می‌چرخد در حالی که بازوی اصلی خلق این ثروت، یعنی باربران خردسال، کارگران روزمزد مهاجر و پاکبانان بی‌سنگرز، زیر فشار شیفت‌های ۱۲ ساعته، بدون بیمه و نظارت، استخوان خرد می‌کنند.

اقتصادی فعلی است. وی با اشاره به اجماع نسبی میان نمایندگان کارگری و کارفرمایان افزود: در حال حاضر، دواضع اصلی شورای عالی کار، یعنی نمایندگان جامعه کارگری و نمایندگان کارفرمایان، با درک شرایط موجود، موافقت خود را با برگزاری جلسه و بازنگری در مزدا اعلام کرده‌اند. در این میان، تنها ضلع دولت باقی مانده که امیدواریم با احترام به اصل سه‌جانبه‌گرایی، به این مطالبه صنفی پاسخ مثبت دهد.

صالحی در پایان ضمن یادآوری وعده‌های پیشین وزیر مبنی بر امکان بازنگری در مزد در طول سال، تأکید کرد: از وزیر کار تقاضا داریم در هفته جاری نسبت به برگزاری جلسه شورای عالی کار اقدام کند. پایبندی به سخنان گذشته و احترام به خرد جمعی در قالب سه‌جانبه‌گرایی، می‌تواند برای اثبات خود در سال‌های اخیر، اقدامی ماندگار در کارنامه وزارت کار به ثبت برساند و بخشی از خدغه‌های معیشتی میلیون‌ها کارگر ایرانی را مرتفع کند.

وی تأکید کرد: کارمندان و بازنشستگان دولت دیگر توان تحمل بالاترکلفی و چندگانگی در اظهار نظر را ندارند. هن‌بنه‌های زندگی منتظر لایحه بودجه، جلسات کارشناسی و تصمیم‌های آینده نمانده و نمی‌ماند. قبض‌ها، اجاره‌خانه، هزینه در مان، مواد غذایی و سایر هن‌بنه‌های ضروری زندگی، باید امروز پرداخت شوند، نه چندماه دیگر!

رهبی در پایان گفت: از مسئولان قوای سه‌گانه انتظار می‌رود شخصاً و در موضوع شوند و اجازه ندهند مطالبه میلیون‌ها حقوق‌بگیر، اعم از کارمندان و بازنشستگان، میان وعده‌های متفاوت، اظهار نظرهای لحظه‌ای و فرآیندهای طولانی اداری معطل بماند.

مسئول واحد پشتیبانی شرکت سلمان فارسی که فردی بازنشسته است بایی توجیه به مصوبات شورای تأمین با اشتغال دوباره مادر پتروشیمی موافق نیست. با این حال با شکایت کارگران، اخیراً مدیر کل کار و خدمات نیروی انتظامی منطقه وزیر پتروشیمی، نامه ممنوعیت شدند: از دیگر مطالبات مطرح شده در این تجمعات می‌توان به اجرای ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی (افزایش مستمری مطابق با هن‌بنه‌های موضوع را پیگیری می‌کنند. به گفته وی، در حالی من و سایر همکارانم به دنبال ایجاد شرایط برای بازگشت به کار هستیم که در این میان

همجوار پتروشیمی، وضعیت شغلی این کارگران بار دیگر تغییر کردو همه کارگران مجدداً بیکار شدند.

او گفت: این وضعیت در حالی تا اوایل تیرماه ادامه داشت که همه کارگران پتروشیمی سلمان فارسی، به جز ما ۳۲ نفر به کار سابق خوددر واحد تعمیر و نگهداری بازگشتند. با وجود اینکه پایان اسفندماه قرار داد همه کارگران واحد تعمیر و نگهداری با شرکت اصلی به اتمام رسیده بود اما بهرغم وعده‌های متعدد برای تمدید قرار دادها و شروع مجدد کار، هنوز هیچ اقدام مشخصی برای بازگشت ۳۲ کارگر انجام نشده است.

این کارگر افزود: در حال حاضر نزدیک به شش ماه از این ماجرا می‌گذرد اما هنوز کارگران بیکار شده بهرغم دریافت دستور بازگشت به کار از استانداری، اداره کار و شورای تأمین نتوانسته‌اند به کار سابق خود بازگردند و به همین دلیل تقریباً هر روز از طریق نهادهای مختلف این موضوع را پیگیری می‌کنند. به گفته وی، در حالی من و سایر همکارانم به دنبال ایجاد شرایط برای بازگشت به کار هستیم که در این میان

همچنین بازنشستگان سخنان رئیس جمهور مبنی بر «غیر قابل قبول بودن عقب‌ماندگی» و «امتیوجه عملکرد و سیاست‌های اقتصادی دولت دانسته و خواستار اصلاح رویکرد مسئولین بر موطه در این امور شدند: از دیگر مطالبات مطرح شده در این تجمعات می‌توان به اجرای ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی (افزایش مستمری مطابق با هن‌بنه‌های زندگی) و همچنین اجرای ماده ۵۴ قانون تأمین اجتماعی و حذف بیمه تکمیلی اشاره کرد.

زیست دشوار کارگران در جنوبی ترین پایانه مسافربری پایتخت کشور

تجارت رنج در ترمینال جنوب



در اتاقک‌های شیشه‌ای و غرفه‌های سرپوشیده نشسته‌اند، با ساعات کاری مشخص و دستمزدهای قانونی. کمی آن‌سموتر در میان دود اتوبوس‌ها، رانندگان و شاگردان اتوبوس چانه می‌زنند، نیروهایی که دریافتی‌شان پایه‌سفر است و به میزان باری که در صندوق جای می‌دهند و پورسانت تعاونی بستگی دارد. نیروهای حراست با لباس‌های فرم بر نظم ظاهری نظارت می‌کنند اما هر چه نگاهم را به لایه‌های زیرین و تاریک‌تر این ساختار می‌دوزم، فرسایش انسان پر رنگ‌تر می‌شود: پاکبانان شرکتی که با حداقل دستمزد، فضای یک تردد سالن‌ها را نظافت می‌کنند و مدام با تأخیر در پرداخت حق بیمه مواجه‌اند، کارگران روزمزدی که بدون هیچ قراردادمی گوشه‌ای به انتظار رسیدن کامیون‌ها کز کرده‌اند و در نهایت همین باربران خردسال که سنگین‌ترین بار این اکوسیستم را بر دوش می‌کنند.

کمی آن طرف‌تر، در ضلع شرقی و در مسیر انبارها، صدای ترم‌کشن‌دار و سنگین‌های خاور، سکوت نسبی محوطه باربری را می‌شکنند. خاور تا سقف از پاکس‌های آب‌معدنی پر شده است. به محض توقف ماشین، چند کارگر به سرعت از گوشه و کنار محوطه، گرد آن جمع می‌شوند تا بار انبارها و غرفه‌ها را تخلیه کنند. پس از سه‌ساعت کار مداوم، زیر آفتاب و جابه‌جا

محمد تنها نیست؛ نگاهی به چهره‌های آفتاب‌سوخته کارگرانی که دور خاور حلقه زده‌اند نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نیروهای روزمزد تخلیه، برای سه‌ساعت کار سنگین، فقط یک میلیون تومن می‌گیریم».

محمد تنها نیست؛ نگاهی به چهره‌های آفتاب‌سوخته کارگرانی که دور خاور حلقه زده‌اند نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نیروهای روزمزد تخلیه، برای سه‌ساعت کار سنگین، فقط یک میلیون تومن می‌گیریم».

محمد تنها نیست؛ نگاهی به چهره‌های آفتاب‌سوخته کارگرانی که دور خاور حلقه زده‌اند نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نیروهای روزمزد تخلیه، برای سه‌ساعت کار سنگین، فقط یک میلیون تومن می‌گیریم».

محمد تنها نیست؛ نگاهی به چهره‌های آفتاب‌سوخته کارگرانی که دور خاور حلقه زده‌اند نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نیروهای روزمزد تخلیه، برای سه‌ساعت کار سنگین، فقط یک میلیون تومن می‌گیریم».

محمد تنها نیست؛ نگاهی به چهره‌های آفتاب‌سوخته کارگرانی که دور خاور حلقه زده‌اند نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نیروهای روزمزد تخلیه، برای سه‌ساعت کار سنگین، فقط یک میلیون تومن می‌گیریم».

محمد تنها نیست؛ نگاهی به چهره‌های آفتاب‌سوخته کارگرانی که دور خاور حلقه زده‌اند نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نیروهای روزمزد تخلیه، برای سه‌ساعت کار سنگین، فقط یک میلیون تومن می‌گیریم».

محمد تنها نیست؛ نگاهی به چهره‌های آفتاب‌سوخته کارگرانی که دور خاور حلقه زده‌اند نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نیروهای روزمزد تخلیه، برای سه‌ساعت کار سنگین، فقط یک میلیون تومن می‌گیریم».

محمد تنها نیست؛ نگاهی به چهره‌های آفتاب‌سوخته کارگرانی که دور خاور حلقه زده‌اند نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نیروهای روزمزد تخلیه، برای سه‌ساعت کار سنگین، فقط یک میلیون تومن می‌گیریم».

زیست دشوار کارگران در جنوبی ترین پایانه مسافربری پایتخت کشور

تجارت رنج در ترمینال جنوب



در اتاقک‌های شیشه‌ای و غرفه‌های سرپوشیده نشسته‌اند، با ساعات کاری مشخص و دستمزدهای قانونی. کمی آن‌سموتر در میان دود اتوبوس‌ها، رانندگان و شاگردان اتوبوس چانه می‌زنند، نیروهایی که دریافتی‌شان پایه‌سفر است و به میزان باری که در صندوق جای می‌دهند و پورسانت تعاونی بستگی دارد. نیروهای حراست با لباس‌های فرم بر نظم ظاهری نظارت می‌کنند اما هر چه نگاهم را به لایه‌های زیرین و تاریک‌تر این ساختار می‌دوزم، فرسایش انسان پر رنگ‌تر می‌شود: پاکبانان شرکتی که با حداقل دستمزد، فضای یک تردد سالن‌ها را نظافت می‌کنند و مدام با تأخیر در پرداخت حق بیمه مواجه‌اند، کارگران روزمزدی که بدون هیچ قراردادمی گوشه‌ای به انتظار رسیدن کامیون‌ها کز کرده‌اند و در نهایت همین باربران خردسال که سنگین‌ترین بار این اکوسیستم را بر دوش می‌کنند.

کمی آن طرف‌تر، در ضلع شرقی و در مسیر انبارها، صدای ترم‌کشن‌دار و سنگین‌های خاور، سکوت نسبی محوطه باربری را می‌شکنند. خاور تا سقف از پاکس‌های آب‌معدنی پر شده است. به محض توقف ماشین، چند کارگر به سرعت از گوشه و کنار محوطه، گرد آن جمع می‌شوند تا بار انبارها و غرفه‌ها را تخلیه کنند. پس از سه‌ساعت کار مداوم، زیر آفتاب و جابه‌جا

محمد تنها نیست؛ نگاهی به چهره‌های آفتاب‌سوخته کارگرانی که دور خاور حلقه زده‌اند نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نیروهای روزمزد تخلیه، برای سه‌ساعت کار سنگین، فقط یک میلیون تومن می‌گیریم».

محمد تنها نیست؛ نگاهی به چهره‌های آفتاب‌سوخته کارگرانی که دور خاور حلقه زده‌اند نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نیروهای روزمزد تخلیه، برای سه‌ساعت کار سنگین، فقط یک میلیون تومن می‌گیریم».

محمد تنها نیست؛ نگاهی به چهره‌های آفتاب‌سوخته کارگرانی که دور خاور حلقه زده‌اند نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نیروهای روزمزد تخلیه، برای سه‌ساعت کار سنگین، فقط یک میلیون تومن می‌گیریم».

محمد تنها نیست؛ نگاهی به چهره‌های آفتاب‌سوخته کارگرانی که دور خاور حلقه زده‌اند نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نیروهای روزمزد تخلیه، برای سه‌ساعت کار سنگین، فقط یک میلیون تومن می‌گیریم».

محمد تنها نیست؛ نگاهی به چهره‌های آفتاب‌سوخته کارگرانی که دور خاور حلقه زده‌اند نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نیروهای روزمزد تخلیه، برای سه‌ساعت کار سنگین، فقط یک میلیون تومن می‌گیریم».

محمد تنها نیست؛ نگاهی به چهره‌های آفتاب‌سوخته کارگرانی که دور خاور حلقه زده‌اند نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نیروهای روزمزد تخلیه، برای سه‌ساعت کار سنگین، فقط یک میلیون تومن می‌گیریم».

محمد تنها نیست؛ نگاهی به چهره‌های آفتاب‌سوخته کارگرانی که دور خاور حلقه زده‌اند نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نیروهای روزمزد تخلیه، برای سه‌ساعت کار سنگین، فقط یک میلیون تومن می‌گیریم».

محمد تنها نیست؛ نگاهی به چهره‌های آفتاب‌سوخته کارگرانی که دور خاور حلقه زده‌اند نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نیروهای روزمزد تخلیه، برای سه‌ساعت کار سنگین، فقط یک میلیون تومن می‌گیریم».

زیست دشوار کارگران در جنوبی ترین پایانه مسافربری پایتخت کشور

تجارت رنج در ترمینال جنوب



در اتاقک‌های شیشه‌ای و غرفه‌های سرپوشیده نشسته‌اند، با ساعات کاری مشخص و دستمزدهای قانونی. کمی آن‌سموتر در میان دود اتوبوس‌ها، رانندگان و شاگردان اتوبوس چانه می‌زنند، نیروهایی که دریافتی‌شان پایه‌سفر است و به میزان باری که در صندوق جای می‌دهند و پورسانت تعاونی بستگی دارد. نیروهای حراست با لباس‌های فرم بر نظم ظاهری نظارت می‌کنند اما هر چه نگاهم را به لایه‌های زیرین و تاریک‌تر این ساختار می‌دوزم، فرسایش انسان پر رنگ‌تر می‌شود: پاکبانان شرکتی که با حداقل دستمزد، فضای یک تردد سالن‌ها را نظافت می‌کنند و مدام با تأخیر در پرداخت حق بیمه مواجه‌اند، کارگران روزمزدی که بدون هیچ قراردادمی گوشه‌ای به انتظار رسیدن کامیون‌ها کز کرده‌اند و در نهایت همین باربران خردسال که سنگین‌ترین بار این اکوسیستم را بر دوش می‌کنند.

در اتاقک‌های شیشه‌ای و غرفه‌های سرپوشیده نشسته‌اند، با ساعات کاری مشخص و دستمزدهای قانونی. کمی آن‌سموتر در میان دود اتوبوس‌ها، رانندگان و شاگردان اتوبوس چانه می‌زنند، نیروهایی که دریافتی‌شان پایه‌سفر است و به میزان باری که در صندوق جای می‌دهند و پورسانت تعاونی بستگی دارد. نیروهای حراست با لباس‌های فرم بر نظم ظاهری نظارت می‌کنند اما هر چه نگاهم را به لایه‌های زیرین و تاریک‌تر این ساختار می‌دوزم، فرسایش انسان پر رنگ‌تر می‌شود: پاکبانان شرکتی که با حداقل دستمزد، فضای یک تردد سالن‌ها را نظافت می‌کنند و مدام با تأخیر در پرداخت حق بیمه مواجه‌اند، کارگران روزمزدی که بدون هیچ قراردادمی گوشه‌ای به انتظار رسیدن کامیون‌ها کز کرده‌اند و در نهایت همین باربران خردسال که سنگین‌ترین بار این اکوسیستم را بر دوش می‌کنند.

در اتاقک‌های شیشه‌ای و غرفه‌های سرپوشیده نشسته‌اند، با ساعات کاری مشخص و دستمزدهای قانونی. کمی آن‌سموتر در میان دود اتوبوس‌ها، رانندگان و شاگردان اتوبوس چانه می‌زنند، نیروهایی که دریافتی‌شان پایه‌سفر است و به میزان باری که در صندوق جای می‌دهند و پورسانت تعاونی بستگی دارد. نیروهای حراست با لباس‌های فرم بر نظم ظاهری نظارت می‌کنند اما هر چه نگاهم را به لایه‌های زیرین و تاریک‌تر این ساختار می‌دوزم، فرسایش انسان پر رنگ‌تر می‌شود: پاکبانان شرکتی که با حداقل دستمزد، فضای یک تردد سالن‌ها را نظافت می‌کنند و مدام با تأخیر در پرداخت حق بیمه مواجه‌اند، کارگران روزمزدی که بدون هیچ قراردادمی گوشه‌ای به انتظار رسیدن کامیون‌ها کز کرده‌اند و در نهایت همین باربران خردسال که سنگین‌ترین بار این اکوسیستم را بر دوش می‌کنند.

در اتاقک‌های شیشه‌ای و غرفه‌های سرپوشیده نشسته‌اند، با ساعات کاری مشخص و دستمزدهای قانونی. کمی آن‌سموتر در میان دود اتوبوس‌ها، رانندگان و شاگردان اتوبوس چانه می‌زنند، نیروهایی که دریافتی‌شان پایه‌سفر است و به میزان باری که در صندوق جای می‌دهند و پورسانت تعاونی بستگی دارد. نیروهای حراست با لباس‌های فرم بر نظم ظاهری نظارت می‌کنند اما هر چه نگاهم را به لایه‌های زیرین و تاریک‌تر این ساختار می‌دوزم، فرسایش انسان پر رنگ‌تر می‌شود: پاکبانان شرکتی که با حداقل دستمزد، فضای یک تردد سالن‌ها را نظافت می‌کنند و مدام با تأخیر در پرداخت حق بیمه مواجه‌اند، کارگران روزمزدی که بدون هیچ قراردادمی گوشه‌ای به انتظار رسیدن کامیون‌ها کز کرده‌اند و در نهایت همین باربران خردسال که سنگین‌ترین بار این اکوسیستم را بر دوش می‌کنند.

در اتاقک‌های شیشه‌ای و غرفه‌های سرپوشیده نشسته‌اند، با ساعات کاری مشخص و دستمزدهای قانونی. کمی آن‌سموتر در میان دود اتوبوس‌ها، رانندگان و شاگردان اتوبوس چانه می‌زنند، نیروهایی که دریافتی‌شان پایه‌سفر است و به میزان باری که در صندوق جای می‌دهند و پورسانت تعاونی بستگی دارد. نیروهای حراست با لباس‌های فرم بر نظم ظاهری نظارت می‌کنند اما هر چه نگاهم را به لایه‌های زیرین و تاریک‌تر این ساختار می‌دوزم، فرسایش انسان پر رنگ‌تر می‌شود: پاکبانان شرکتی که با حداقل دستمزد، فضای یک تردد سالن‌ها را نظافت می‌کنند و مدام با تأخیر در پرداخت حق بیمه مواجه‌اند، کارگران روزمزدی که بدون هیچ قراردادمی گوشه‌ای به انتظار رسیدن کامیون‌ها کز کرده‌اند و در نهایت همین باربران خردسال که سنگین‌ترین بار این اکوسیستم را بر دوش می‌کنند.

در اتاقک‌های شیشه‌ای و غرفه‌های سرپوشیده نشسته‌اند، با ساعات کاری مشخص و دستمزدهای قانونی. کمی آن‌سموتر در میان دود اتوبوس‌ها، رانندگان و شاگردان اتوبوس چانه می‌زنند، نیروهایی که دریافتی‌شان پایه‌سفر است و به میزان باری که در صندوق جای می‌دهند و پورسانت تعاونی بستگی دارد. نیروهای حراست با لباس‌های فرم بر نظم ظاهری نظارت می‌کنند اما هر چه نگاهم را به لایه‌های زیرین و تاریک‌تر این ساختار می‌دوزم، فرسایش انسان پر رنگ‌تر می‌شود: پاکبانان شرکتی که با حداقل دستمزد، فضای یک تردد سالن‌ها را نظافت می‌کنند و مدام با تأخیر در پرداخت حق بیمه مواجه‌اند، کارگران روزمزدی که بدون هیچ قراردادمی گوشه‌ای به انتظار رسیدن کامیون‌ها کز کرده‌اند و در نهایت همین باربران خردسال که سنگین‌ترین بار این اکوسیستم را بر دوش می‌کنند.

در اتاقک‌های شیشه‌ای و غرفه‌های سرپوشیده نشسته‌اند، با ساعات کاری مشخص و دستمزدهای قانونی. کمی آن‌سموتر در میان دود اتوبوس‌ها، رانندگان و شاگردان اتوبوس چانه می‌زنند، نیروهایی که دریافتی‌شان پایه‌سفر است و به میزان باری که در صندوق جای می‌دهند و پورسانت تعاونی بستگی دارد. نیروهای حراست با لباس‌های فرم بر نظم ظاهری نظارت می‌کنند اما هر چه نگاهم را به لایه‌های زیرین و تاریک‌تر این ساختار می‌دوزم، فرسایش انسان پر رنگ‌تر می‌شود: پاکبانان شرکتی که با حداقل دستمزد، فضای یک تردد سالن‌ها را نظافت می‌کنند و مدام با تأخیر در پرداخت حق بیمه مواجه‌اند، کارگران روزمزدی که بدون هیچ قراردادمی گوشه‌ای به انتظار رسیدن کامیون‌ها کز کرده‌اند و در نهایت همین باربران خردسال که سنگین‌ترین بار این اکوسیستم را بر دوش می‌کنند.



یک کارگر معدن طلای زرمهر بر اثر سقوط به یک مخزن آب آلوده به مواد شیمیایی در این واحد معدنی دچار خفگی شد و جان باخت. به گزارش ایلنا، این حادثه صبح روز یکشنبه (۱۹ مهر ماه) برای یک کارگر ۴۳ ساله در معدن طلای زرمهر بایگ تربت حیدر به رخ داد. براساس گزارش‌ها، تا پیش از رسیدن گروه امدادی به محل حادثه، کارکنان این معدن موفق شدند پیکر این کارگر را از درون مخزن خارج کنند. همکاران این کارگر بلافاصله نسبت به بررسی وضعیت وی اقدام کردند اما متأسفانه مشخص شد که وی به دلیل خفگی ناشی از سقوط، فاقد هر گونه علائم حیاتی بوده و جان خود را از دست داده است.

مرگ یک کارگر ساختمانی بر اثر سقوط از شيروانی یک کارگر در حین کار در سقف شیروانی ساختمان یک واحد مسکونی در کاشان، بر اثر سقوط از ارتفاع جان خود را از دست داد. به گزارش ایلنا، این حادثه زمانی رخ داد که سقف ایرانیّت سیمانی شکسته شد و کارگر مذکور از ارتفاع ۱۰ متری به پایین سقوط کرد که این سقوط، منجر به فوت وی شد. متوفی با هویت «پیمان» که تنها فرزند خانواده بوده، از دوران کودکی پدر خود را از دست داده و خودش دارای یک فرزند پسر است که امسال تازه کلاس اول است.



با ایلنا همراه شوید

خبرگزاری کار ایران «ایلنا»

صبح دیروز جمعی از بازنشستگان و مستمری‌بگیران کارگری با حضور در مقابل ادارات کل تأمین اجتماعی در شهرهای شوش و رشت، نسبت به وضعیت معیشتی خود و عدم وده افزایش حقوق، تجمع صنفی برگزار کردند.

به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان با انتقاد از عملکرد سرپرست سازمان تأمین اجتماعی، به نارتازی‌های فراوان این سازمان و عدم تلاش جهت پرداخت بدهی دولت به سازمان (مصوب در بودجه سال جاری)

اعتراض کردند. همچنین مخالفت با طرح دولت و وزارت کار مبنی بر بخشودگی ۱۰۰ درصدی جرایم دیرکرد کارفرمایان، درخواست انحلال هیات امنای سازمان و برقراری مجدد شورای عالی تأمین اجتماعی، از دیگر موارد مطرح شده در این تجمع‌ها بود.

در ادامه این تجمعات، بازنشستگان مراتب اعتراض خود را نسبت به عملکرد ادقصادی دولت، تورم افسارگسیخته، کاهش ارزش پول ملی و همچنین نحوه فروش نفت و عدم نظارت بر این بخش اعلام کردند.